



میر عبدالواحد سادات

«در زمین بوریو در آسمان ستاره ندارند»

(از سخنان آقای محقق به سازماندهگان و اشتراک کننده گان تظاهرات مدنی و ملی شهر کابل)

به این سخنان بدون هرگونه انگیزه بی شخصی و ... بحیث یک مسئله ای مربوط به سرنوشت مردم بحث مینماییم:

میخواهم با طرح این موضوع به درد و مصیبت واقعی جامعه ما بپردازیم. بخاطر رعایت حد اکثر ایجاز به چند نکته قابل بحث، مکث مینمایم تا دوستان عزیز در بحث شان موضوع را تکمیل فرمایند:

این گفتار مبین این واقعیت تلخ است که جامعه ما بشکل بی سابقه آن منقطف گردیده است و این انقسام اکنون عبارت است از اکثریت نادار و زیر خط فقر و بگفته بی آقای محقق «کسانیکه در زمین ...» و اقلیت نهایت دارا و زور و زرسالاران ملیاردر و بگفته غربی ها «لارد و اراها».

همه میدانند که «کی ها» و «کدام شرایط» این اکثریت محروم و این اقلیت را بوجود آورده است (اقلیتی که قبل از جنگ و «جهاد» در زمین بوریو چه که حتی یک ... هم نداشتند.) از برکت "قانون جنگل" و چوروچپاول و غضب و ... در کشوری که سالهاست رییس دولت کچکول گدایی در دست و از "کافر" و مسلمان و گبر و ترسا تگدی مینماید.

از پولی که بنام افغان و افغانستان داده شده است (و امریکا تا بیشتر از صد میلیارد دعا میکند) به عوض بازار آزاد، بازار "فساد" ایجاد و این قشرطفیلی (که تا چند صد فامیل در سرتاسر کشور تخمین زده میشود) میلیارد گردیده و مردم و دولت را گروگان گرفته اند و هیاهودارند که: "جهاد" نموده و « حق » داریم غضب و غارت نماییم.

طوری معلوم میگردد که این اقلیت ملیاردر که سخنان آقای محقق بازتاب ذهنیت شان میباشد؛ قانون اساسی را که تساوی حقوق شهروندان را مسجل ساخته است قبول ندارند و اکثریت محروم و شهروندان « بی بوریا » را محق نمیدانند که مظاهره نمایند و بخاطر سربریده فامیل و هموطنان شان عدالت خواهی نمایند.

ما به چشم سر در تلویزیونها دیدیم که ده ها هزار هموطن (محصلان، استادان، زنان و جوانان از تمام اقوام) درین رستاخیز عظیم ملی و مدنی شرکت داشتند و قطعنامه را جناب استاد عزیزرویش یکی از دانشمندان (هموبزرگوار که مکتب معرفت را اساس گذاشته و به مهد تربیه اطفال و جوانان بروحیه عالی و طندوستی مبدل ساخته است و در سال قبل کاندید مقام عالی بهترین معلم جهان بود) افغان قرائت نمود . اما آقای محقق آنان را بجرم نداشتن بوریا به حرمان از حقوق مدنی محکوم و با الفاظ رکیک تحقیر و حتی « سزاوار » ملاقات ندانست (اگر حضرت عشق حیات میبود فریاد سر میداد: « دلم زین بی تمیزی و نند و نداشت و ... »)

در هیچ دین و مذهب و اندیشه و قانون این سخنان و این ذهنیت قابل دفاع نمیشد و حتی درتخالف با نص صریح قرآن است که: بهترینان را متقی ترین حکم نموده است. بد نیست بخاطر بسپاریم که تمام رهبران واقعی ملی ؛ مذهبی و سیاسی که قلوب مردم جای شان است بوریای نداشته اند.

برای افغانان دوره وجود دارد: گردن نهادن به اقلیت غاصب و یا دفاع از اکثریت محروم و مالکان واقعی افغانستان در وجود حرکات مدنی و ملی و قانونی و صدایی اعتراض را بگوش جهان نیان رسانیدن.